

خارج فقه استاد اراکی دامت برکاته صلاة جمعة یک شنبه چهارم آذرماه ۱۳۸۶ شمسی

ما در سیاق بحث در استدلال به دو دسته روایاتی که در دلیل ۴ و ۵ از خوئی ره نقل کردیم چون آقای خوئی ره به دو دسته روایات برای نفی وجوب تعیینی تمسک بسته بود و ما با ابطال استدلال ایشان اثبات می کردیم وجوب تعیینی را خواه ناخواه مقصود اثبات می شد مطلب ما یعنی عدم شرطیت حضور امام یا من نصبه به طریق اولی لکن با سیاق بحث سازگار نبود نظم بحث را به هم می زند ما ترجیح می دهیم بحث را از دلیل چهارم همان طائفه روایات دلیل چهارم منتهی با تقریب دیگری نه آن تقریبی که نفی وجوب تعیینی در آن بود دنبال خوئی ره رفتیم در سیاق بحث دلیل ۴ در نفی صلاة الجمعة همان روایات فرسخین است که در آن ها نفی وجوب شده است از کسی که بعد فرسخین از محل اقامه جمعه به این تقریب که این روایات که متن روایات را به خوانیم منها صحیح زراره از امام باقر علیه السلام انما فرض الله عزوجل علی الناس من الجمعة الى الجمعة خمساً و ثلاثین صلاة منها صلاة واحدة فرض الله عزوجل فی جماعة هی الجمعة و وضعها عن تسعة عن الصغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العبد و المریض و المرأة و اعمی و من کان علی رأس الفرسخین

تقریب استدلال به روایت در نفی مشروعیت نماز جمعه بدون امام یا من نصبه ، اگر نماز جمعه بدون امام یا من نصبه مشروع بود تقیید به من کان علی رأس فرسخین بی جا بود به جا نبود چون معنی این تقیید عدم وجوب نماز جمعه است علی من کان در مسافت ازید من فرسخین در حالی که اگر نماز جمعه مشروع بود بدون امام یا من نصبه وظیفه کسانی که در فاصله بیشتر از ۲ فرسخ اند وجوب اقامه بود باید خودشان اقامه کنند نه که گفته شود واجب نیست تعلیق وجوب به این قید به این معنی است کسی که مسافت بیش از فرسخین لاتجب علیه اقامة الجمعة تقیید می گوید می گوید روایت چنین قیدی آورده وضع وجوب برداشته شده از طائفه از جمله فاصله بیش از دو فرسخ نماز جمعه اگر جمعه بدون امام مشروع بود نباید به گوید واجب نیست نماز برداشته شده یعنی جائز نیست نماز اگر مشروع بود باید می گفتند نماز جمعه دیگری اقامه کنی نه این که رفع شده وجوب نماز جمعه از تو، رفع وجوب نماز جمعه در این جا به دلیل عدم مشروعیت است

نماز جمعه قاعدتاً به امام یا من نصبه برقرار می‌شود روایت می‌گوید کسی که فاصله بیش از ۲ فرسخی است نماز ندارد نماز جمعه یعنی مشروع نیست

طلبه: مشروع نیست با واجب نیست فرق می‌کند

استاد: واجب نبود و مشروع بود یعنی می‌توانست جمعه دیگری اقامه کند گفته وضع عن تسعه و وضعها عن تسعه از نه نفر نماز جمعه را برداشت رفع مشروعیت شود نه عدم اقامه صرف شود

یعنی فرض قائل ما وجوب تخییری نداریم اگر وجوب تعیینی ندارد پس مشروع نیست می‌گوید دلیلی به وجوب تخییری نداریم

طلبه: زنان؟

استاد: آن‌ها یعنی زنان معذورند غیر معذوذ واجب به وجوب تعیینی نیست پس مشروع نیست

استاد: بحث این جا اصل وجوب نماز جمعه است

طلبه: سیاق معذوریت است

استاد: علی راس فرسخین که عذر نیست مریض و همراه کار باید بر آن‌ها آسان گرفته شود اما علی راس

فرسخین که توانمند است و کسی است که به تواند خطبه به خواند وضع صلاة جمعه از او یعنی معنی اش

مشروعیت ندارد بر او، در حق او برای دو فرسخ به بیش جمعه برداشته شده اگر مشروع بود باید واجب

تعیینی شود، چون عذری نیست همه شرایط را دارا است علی راس فرسخین عذر نیست که منشا تخفیف شود

عذر از حضور نماز جمعه که امام یا من نصبه اقامه کرده

طلبه: شبیه امر عقیب حذر نیست که دلالت بر وجوب نمی‌کند؟

استاد: موهم است محل ایهام وجوب رفع، وجوب کرده؟

حصر عقلی نیست با این مقدمه اصل صلاة جمعه نظیر سایر صلوات، وجوب تعیینی است نه تخییری، بعد این

وجوب تعیینی برای کسی که دور است از محل اقامه جمعه به دو فرسخ این وجوب تعیینی برداشته است. نماز

جمعه هم بر همگان وجوب تعیینی است ، وجوب تخیری نیست معلوم می شود مشروعیت ندارد که برداشته

شده یا واجب تعیینی است که شرط امام دارد یا مشروع نیست

طلبه: لسان معذوریت است مثل مرأة

استاد: مردم به اختلاف امکنه واجبات بر دوش آن ها عوض نمی شوند به زندگی در قریه و ... دو واجب

مختلف نمی آید و عوض نمی شود نماز بر همه یکسان واجب شده است ،

طلبه : بر مسافر نماز جداگانه قصر واجب شده؟ مکان تاثیر دارد

استاد: مسافر معذور است منتهی کسی که تمام شرایط تکلیف تمام حیثیت ها و فقط جای اش فرق می کند یکی

روستا یکی شهر ، احتمال نمی دهد روستا یک واجب توی شهر واجب دیگر ، مگر در شهر به امام دسترسی

دارد پس بنابراین کسی که آن جاست نماز مشروع نیست اول نماز جمعه واجب نشده است ،

طلبه: نسبت به این جا آمدن به این جا تخیری می شود نه اینکه حرام شود

استاد: می گوید اقامه نزد خودش هم جایز نیست به دلیل دوران حکم

یرد بر این استدلال که هیچ ظهوری در روایت نیست که استثناء ناعی از وجوب تنهابه فقدان شرط امام و

من نصبه است تا اینکه گفته شود چون استثنا تنها به این دلیل است بنابراین کاشف از مشروطیت وجوب یا

شرعیت به حضور امام یا من نصبه است آن چه روایت بر آن دلالت دارد این است که من کان علی راس

فرسخین عذری دارد ، اما این عذر چیست شاید فقدان سایر شروط باشد کوجود من تتوفر فیه شرائط

الامامة و یحسن الخطبة بشرائطها یا عدد لازم لاقامه الجمعة

طلبه : این توجیه هم خیلی بار دارد

استاد: به عبارت دیگر قید راس فرسخین منافاة با وجوب تعیینی نماز جمعه بدون امام در مازاد علی راس

فرسخین منافاة ندارد کسی که فاصله اش دو فرسخ است معهذا بر او واجب است اقامه جمعه واجب است

اقامه جمعه اخری اگر این طور باشد منافاتی با متن روایت ندارد چرا؟

طلبه: چون نسبت به نماز جمعه همان شهر مقایسه می کند

استاد: بله می‌گوید ناعی از این نماز جمعه، وجوب حضور برداشته شده دو شکل است، برداشته شده چون شرط حضور امام یا من نصبه در محل اش نیست بنابراین اصل وجوب منتفی است مستدل می‌گوید مشروعیت هم منتفی است چون امر دایر به وجوب تعیینی یا عدم مشروعیت ما عرض مان این است بیش از این نمی‌فرماید بیش از دو فرسخ لایجب علیه ولی لایجب به چه وجهی، چون در روایت نیامده فقدان شرط حضور امام و من نصبه شاید فقدان شرط آخر باشد از شرایط، مثلاً فقدان عدد مخصوصاً بوادی عرب نشین، بادیه نشین‌ها و لذا عدد کافی نبوده برای اقامه جمعه، نصف آن‌ها زن و کودک بوده نصف هم پیرمرد بزرگسال بوده ۳ و ۴ نفر جوان بیشتر نبوده عدد نبوده که جمعه کامل شود تعداد هم من یخطب در آن‌ها نبوده علی راس فرسخین فمازاد از محل اقامه جمعه در معرض گاهی به لحاظ عدم امنیت به لحاظ های مختلف در معرض فقدان شرایط وجوب تعیینی جمعه است دلیلی در روایت که دال بر رفع وجوب از من کان راس فرسخین به دلیل خصوص فقدان این شرط باشد وجود ندارد این جواب اول طلبه: منظور فقط وجوب این جمعه را رفع کرده نه اصل جمعه را

استاد: روایت نمی‌گوید از این نماز جمعه می‌گوید از جایی که شرایط نماز جمعه باشد از محل شرائط جمعه، جمعیت دارد

طلبه: این فقرات را چگونه اضافه کردید؟

استاد: فرض الله فی جماعة و وضعها عن تسعة از این جماعت، هر جا جماعتی بود تقام به جمعه فرض الله بر این جماعت و وضعها عن تسعة، که این تسعة نسبت به این جماعت آورده شده است و من علی رأس فرسخین از جماعتی که بتواند جمعه برپا کند از نماز جمعه برپا شده نیست از روایت چنین استفاده نمی‌شود که خوئی ره پافشاری می‌کند، هر جا جماعتی بود تجب علیهم الجمعة فی جماعة الا من کان علی راس فرسخین حالا اگر از جماعت دیگر علی رأس فرسخین نیست، پس علی راس فرسخین نیست اصلاً، خوئی ره فرمود فرق نادر می‌شود متوجه همین نکته بود که فرق اش خیلی نادر می‌شد اگر علی راس کل جماعة باشد فرق نادر می‌شود

گفتیم جماعتی که لا یتوفر فیه شرائط جمعه نادر نیست جماعت باشد ولی شرائط جمعه نداشته باشد روستاها دوردست بیسواد نشین ، فراوان است

طلبه: نه شرط نباشد نباید شرکت کند یکی بیش از ۲ فرسخ برگرداندی به قبلی اگر مریض باشد استاد: هر جا جماعتی باشد جمعه واجب مگر جماعت کور ، دیوانه باشد یا کسی است به جماعت علی راس فرسخین باشد ، کسی که روستای کهک یا پردیسان است ، کسی که در روستا است علی راس فرسخین است از هر جایی که جماعتی که دارای شرایط جمعه باشد قرار دارد ، اگر گفته شود که علی راس فرسخین دور باشد به دو فرسخ از جایی که که دارای شرایط جمعه است دو فرسخ ، یعنی جایی که هفت نفر باشد و هر هفت نفر صحیح و سالم باشند و یک نفرشان به تواند خطبه به خواند این دو فرسخ ، دو فرسخ از همچین جایی است یعنی در خود این فرسخ این عدد نباشد عدد ۷ نفر سالم باشند امام قادر خطبه باشد این جا نباشد طلبه: در پردیسان خودشان باید اقامه کنند

استاد: آن مکانی که از محل جماعتی که شرائط دارد به دو فرسخ دور است خود نباید شرایط را داشته باشد این چگونه باشد؟ ممکن است جماعت باشند ولی جامع الشرائط نباشد روستاهای بیست خانوار زیاد است که جوان ها برای کار می روند جاهای دیگر ۳-۴ جوان در آن پیدا نمی شود رفته اند فقط پیر و مریض و زن و کودک آن جا است خیلی هم در ایران دارند ، هزاران در ایران شاید باشند ، فاصله از محلی که شرائط جمعه فراهم باشد بیش از دو فرسخ است خودشان هم شرائط را ندارند

طلبه باید به گویم من یخطب نیست در روستا

طلبه: سر دو فرسخ خودش داخل خانم ها باشد

استاد: واجب نیست حضور در محل جامع الشرائط

طلبه: بعلاوه دو فرسخ بفهماند تا دو فرسخ دیگر نباید جمعه برپا شود

استاد: به بیان شما یرد علیه روایت داریم دو جمعه در فاصله یک فرسخ برقرار می شود

عرض دیگر که ثانیاً اشاره به آن دارد وجه دیگر شاید تقیید به مسافت دو فرسخ نه از جهت نفی کسی که از محل جمعه به بیش از دو فرسخ دور است بل که برای نفی وجوب اقامه جمعه است بر کسی که بیش از دو فرسخ فاصله ندارد، اگر روایت به خواهد به گوید کسی که در فاصله دو فرسخی و کمتر است نزدیکتر از دو فرسخ است، این واجب نیست خودش جمعه دیگری اقامه کند لازم نیست جمعه مستقلی اقامه کند باید بیاید در این جمعه اقامه شده، تجب و وضعها علی من کان علی راس فرسخین وضع وجوب اقامتها بر کسی که در فاصله دو فرسخ است و کمتر از ۲ فرسخ است وجوب اقامه بر کمتر از ۲ فرسخ برداشته شده چرا منظور این باشد سه دسته روایت داریم عامه مطلقه داریم یجب الصلاة جمعه علی کل سبعة فاذا وجد سبعة امهم؟ بعضهم و خطبهم، هر جا ۷ نفر جمع شدند یک نفر اقامه جمعه کند، که خواندیم روایت زراره که مضمونش تجب الجمعة فاذا اجتمع سبعة و لم یخافوا امهم بعضهم و خطبهم شامل همه می شود هر جا ۷ نفر بود باید اقامه کند دلیل آمد قید زد که در فاصله یک فرسخی نمی شود جمعه اقامه شود چون یکی صحیح نه خواهد بود یا هر دو اگر متقارنین بودند پس تقیید زد اطلاق را، ماند کسی که در بیش از فاصله بود، گفته در کمتر از فاصله صحیح نیست پس بیش از فاصله می تواند جمعه اقامه کند آیا واجب است اقامه کند؟ روایت می گوید نه تا سر دو فرسخی واجب نیست همان جمعه قبلی را حاضر شود این مقتضای جمع سه دسته روایت مطلقه ای که فاذا اجتمع سبعة امهم بعضهم و خطبهم تقیید می خورد به روایت عدم صحت نماز جمعه در اقل من فرسخ و بعد این روایتی که خواندیم که رفع می کند وجوب اقامه جمعه را بر کسی که بیش از یک فرسخ واجب نیست اقامه کنی می توانی بر همان کمتر دو فرسخ اقامه شده بیایی، و وضعها از این طائفه من جمله کسی که در حد دو فرسخ است وضع وجوب اقامتها یعنی داخل فرسخ منتهی داخل فاصله لاتجب علیه اقامتها

طلبه: هشت نفر دیگر اصلاً واجب نیست و نفر ۹ باید شرکت کند؟

می گوید وضع وجوب را ما از قرائن دیگر از اطلاقی که می فهمیم فاذا اجتمع سبعة امهم بعضهم و خطبهم باضافه روایتی که می گوید بین دو جمعه یک فرسخ فاصله شود و لا تصح الجمعة فی اقل من فرسخ نمی توانیم

دفع ید کنیم از آن روایات مگر به اندازه دلیل وضع صلاة جمعة از این دسته می‌دانیم کسی که علی راس فرسخین است یا کسی که فاصله دو فرسخ است که اصل وجوب یا مشروعیت رفع نشده قطعاً، اختلافی نیست، پس چي را می‌خواهد رفع کند

طلبه: فرمایش شما وقتی درست است که روایت به گوید وضعها علی من کان راس فرسخ نه فرسخین تا یک فرسخی حرام است از یک فرسخ تا ۲ فرسخ شما فرمودید حرام نیست جائز است اقامه کند آیا واجب است یا نه شما فرمودید روایت می‌گوید واجب نیست روایت می‌گوید وضعها علی من کان علی راس فرسخین نه علی راس فرسخ، یعنی بر بیشتر از ۲ فرسخ واجب نیست یعنی بر کمتر ۲ فرسخ واجب هست اگر چه وجوب به وجوب اقامه بزنیم کسی که کمتر دو فرسخ است وجوب اقامه دارد یعنی باید اقامه کند و نمی‌تواند بیاید به جمعه منعده

استاد: روایت علی راس فرسخین نظر دارد به روایتی که می‌گوید علی راس فرسخ لا تصح اقامه الجمعة وقتی نظر دارد به آن روایت می‌گوید وضعها علی من کان علی راس فرسخین، وجوب اقامه را برداشته است طلبه: وجوب اقامه از ۲ فرسخ به بالا برداشته ولی فاصله یک تا دو فرسخی باید خودشان اقامه کنند و وضعها علی من کان راس فرسخین بیش ۲ فرسخ ولی بین فرسخین و راس فرسخ روایت می‌گوید واجب است خودشان اقامه کنند و هیچ کس این حرف را نزده که خودشان اقامه کنند گفته اند واجب است شرکت در همان جمعه

استاد: علی راس فرسخین وضعها عمن کان علی راس فرسخین مگر ما راس فرسخین را حد قرار دهیم بر این وضع، یعنی وضع شده برای کسی که تا سر فرسخین اس وجوب مرتفع شده از آن به بعد را اطلاعات شامل می‌شود یجب اقامتها

طلبه: یک و نیم فرسخ است وجوب اقامه است؟

استاد: نه فرمایش خوبی است ما می‌گوییم نفی وجوب تعیینی می‌کند لا به نسبت ظهر بل بالنسبه جمعه آخری همان حرف آقای خوئی زد منتهی آقای خوئی می‌فرماید من کان علی راس فرسخین نفی وجوب تعیینی

نسبت به ظهر می کند ما می گوئیم نفی وجوب تعیینی نسبت به جمعه ای که فاصله ی او اقل فرسخین است می کند، می گوید که بر کسی راس فرسخین است وجوب تعیینی این جمعه منتفی است امر دایر بین امرین یا خود اقامه کند یا در جمعه اقامه شده حاضر شود نفی وجوب تعیینی نه نسبت ظهر نفی وجوب تعیینی نسبت به اقامت عنده

طلبه: روایت اثبات می کند وجوب تعیینی را بر کسی که یک و نیم فرسخی است همه روایات قرار داده وجوب را بر یک و نیم فرسخی بر دو و نیم فرسخی فرمایش شما درست است نفی کرده وجوب تعیینی را ولی یک و نیم فرسخی روایت می گوید واجب است به وجوب تعیینی استاد: مامادون از راس فرسخین را به ملازمه می فهمیم از روایات دیگر فهمیدیم می دانیم جمعه واجب به وجوب تعیینی است چه فاصله کم یا زیاد باشد وقتی می گوید کسی که سر دو فرسخ است وجوب تعیینی اقامه عنده ندارد یا باید اقامه عنده کند یا در همان جمعه شرکت کند خواه نخواه اقل هم همین خواهد بود ، یعنی روایت به مدلول التزامی می فهماند که اقل اش همین وجوب تعیینی در قبال حضور برداشته شده الا تا جایی که به سر یک فرسخی برسیم وجوب تعیینی کلاً منتفی است باید حضور پیدا کند در همان جمعه اقامه شده طلبه: علی راس فرسخین حد برداشته شدن است وجوب است؟ استاد: نه ، کسی که سر دو فرسخ است وجوب تعیینی ندارد نمی گوید یجب الی آن حد الی ندارد تعبیر عرفی است سر دو فرسخی واجب نیست در آن نماز شرکت کند از روایت دیگر می فهمیم فاصله یک فرسخی نمی تواند اقامه کند

طلبه: پس قید به یک فرسخ می زد مشکلی پیش نمی آمد من کان علی راس فرسخ می گفت استاد: فایده اش این است که سر ۲ فرسخ بیاید یا اقامه کند کسی که از این فاصله هم زیادتر باشد حکم عوض می شود حکم اش لازم نیست چون شرایط را ممکن است نداشته باشد این توجیه ما نسبت به همین روایت زراره همین روایتی که علی راس فرسخین دارد چرا گفته علی راس فرسخین؟ می خواهد حکم کسی که سر ۲ فرسخ بیان کند ، بیان شد حکم کسی که در کمتر از ۲ فرسخ و بیشتر از یک فرسخ این جا حکم



اش معلوم است نماز جمعه که بر او واجب است ، می تواند نماز جمعه دیگری اقامه کند، می تواند هم آن جا حاضر شود بدلیل این که سر دو فرسخی می تواند حاضر شود چه رسد به یک فرسخی وقتی از سر ۲ فرسخی نفی کرد یعنی کمتر از ۲ فرسخ به طریق اولی وجوب تعیینی حضور ندارد تا برسد سر یک فرسخ که متعین می شود حضور در نتیجه نفی وجوب تخیری از عن من کان راس فرسخین فمادون نفی وجوب تعیینی به ازاء جمعه آخری ، فمازاد بیش از ۲ فرسخ در روایات دارد لیس علیه الشیء چون گفتیم فاصله بیشتر شود لیس علیه الشیء

طلبه : وضعها ۲ معنا ندارد

استاد : با قرینه استفاده کنیم